

آخرین ماهها و روزهای دولت نهم و ریاست جمهوری آقای دکتر احمدی نژاد در حالی به پایان می‌رسد که ایشان ارزش‌ها و منش‌های انقلاب اسلامی را در دهه سوم انقلاب احیا کردند و بار دیگر گفتمان حاکم بر کشور را گفتمان خدمت و نه گفتمان قدرت قرار دادند. فرهنگ و اندیشه‌ای را ترویج دادند که ریشه در اندیشه‌ها و رهنمودهای امام امت داشت و سیاستی را برگزیدند که تنیده با دین، عزت اسلامی کشور را به همراه داشت. اینک در آستانه انتخابات دهم ریاست جمهوری و زیر بمباران تبلیغاتی داخل و خارج کشور در ناکارآمد نشان دادن دولت اسلامی و انقلابی دکتر احمدی نژاد، وظیفه خود دانستیم که قدردان و سپاسگزار این حرکت خالصانه باشیم و تشکر خویش را به خاطر چهارسال مجاهدت و پایداری بر ارزش‌های اصیل انقلاب اسلامی توسط این دولت برآمده از ملت ابراز داریم. این ویژه‌نامه مختصر، اندک قدمی است که در این راه برداشته‌ایم. امید که مطلوب طبعتان باشد.

عصر خدمت عدالت



احمدی نژاد یک لایه‌ای است!

حامد عبداللہی

احزاب در تشکیل دولت را مشخص کنیم بعد نوبت به سهم احزاب برسد. اگر دولت‌مردی نخواهد و امدار احزاب باشد و با رأی مستقیم مردم انتخاب بشود چرا فریاد می‌زنند که سلیقه‌ها را به بازی نگرفته است. مگر برای استفاده از تخصص نیروها باید به شناسنامه حزبی آنها مراجعه کرد؟

رشته ما آتشیه رشته شما؟

اگر به هدف رسانه ایمان داشته باشید گول غول رسانه‌ها را نمی‌خورید. احمدی نژاد رسانه است. من کاری به محتوای این رسانه ندارم اما اگر رشته رسانه‌شناسی داشتیم باید تیره جدیدی به نام رسانه احمدی نژاد بازناسایی می‌شد. شما که یادتان نیست من چرا یادم باشد که امام خمینی هم برای خودشان روش‌های رسانه‌ای ویژه‌ای داشتند و تکثیر نوار سخنرانی ایشان در کمتر از یک ساعت در سراسر کشور از پدیده‌های شگفت آن دوره بوده است.

هرچقدر دل بدهید آتش می‌خورد:

احمدی نژاد رسانه است چون مخاطبان هدف را می‌شناسد و در انتقال پیام، پابند ابزارهای معمول نیست. سخن او با صدا، تصویر، نقل قول، پیامک و از همه بیش‌تر و مستقیم‌تر با حضور خود او منتقل می‌شود. به عبارت دیگر خودش به پیوست پیامش می‌رود!

مردم تنها از پشت شیشه تلوزیون و با سخنان شسته رفته او را نمی‌بینند و نمی‌شنوند. مردم محمود را لمس می‌کنند. آنها وقتی به تصویری از احمدی نژاد نگاه می‌کنند حضور قبلی وی را در قلبشان تداعی می‌کنند چون به سهولت در دسترس بوده است.

آتش کشک خالته بخوری پاته نخوری پاته!

رسانه بودن احمدی نژاد خیلی چیزها را تغییر می‌دهد. او مجبور نیست برای ژست تبلیغاتی نزد مراجع تقلید برود و هر دیداری را به نفع خود مخابره کند تا بعد هم اعلام حمایت مراجع از نامزدان انتخاباتی تکذیب شود. او لازم نمی‌داند به جمع جوانان پیام‌های رنگی بفرستد و رأی آنها را برای آرزوی‌های خیالی جذب کند. او اصلاً در پی حمایت هیچ جناحی نیست که بخواد باج بدهد یا امروز از حمایت کسی دم بزند که دیروز علیه او حرف زده بودند یا خودش مخالفشان بوده. او نخبگان را در سطح دیگر شهروندان می‌بیند و دل سپردن به درد دل یک روستایی را کسر شأن ریاستش نمی‌بیند. برای همین است که باید به همه نامه‌ها جواب داده شود حتی اگر مشکلی حل نشود چون نویسنده و گیرنده نامه هر دو انسان‌اند و ارتباط مبنای رسانه است.

آتش نخورده و دهن سوخته!

اگر فکر می‌کنید من از دکتر محمود احمدی نژاد دفاع انتخاباتی کردم معلوم است تا به حال به آتش خوری نرفته‌اید! من بخشی از مبانی رسانه‌ای احمدی نژاد را رو کردم تا شما اگر طرفدار او هستید بدانید چرا با احمدی نژاد این قدر دوست و نزدیک هستید و اگر مخالف و منتقد او هستید بدانید جنس رسانه او چیست که دیگران آن را ندارند حتی اگر بارها به یک استان سفر کنند. آتش تمام شد!

کنیم. به نظر شما فراغته یا پارسیان چه روش‌های رسانه‌ای و پیام رسانی داشتند؟

کشک فراموش نشود؟!

باز هم به نظر من اصحاب رسانه امروز کمی کارشان کشکی است! باور نمی‌کنید؟ روزنامه‌نگاران و قلم به دستان برای چه کسانی می‌نویسند؟ نکند می‌خواهید بگویند مردم! نه مطمئن باشید! آنها برای هم می‌نویسند. روزنامه‌ها از گان احزاب و گروه‌های سیاسی هستند و دایم در حال خط و نشان کشیدن برای هم هستند. اگر در کشور ما یک هفته همه روزنامه‌ها را چاپ نکنند چه می‌شود؟ نگویید نمی‌شود! دو هفته در عید روزنامه نداریم و متأسفانه هیچ فاجعه‌ای هم رخ نمی‌دهد! آن یک هفته هم همین طور است.

بیخشید آتش را با چنگال نمی‌خورند!

اگر رسانه‌چی‌های ما بلد نیستند از ابزار رسانه درست استفاده کنند، تقصیر مردم چیست؟

آنها می‌گویند یک رئیس باید با ابزار نوین الکترونیکی یک سامانه نظارتی راه بیاندازد و به تمام سرشاخه‌ها نظارت کند. چون امکان ارتباط با همه را ندارد پیام‌های عمومی و همه فهم صادر کند. در زمان‌های مشخص و با ادبیات استاندارد رسانه سخنرانی کند. به عطر و لباس و رنگ توجه ویژه داشته باشد. سیاست‌مدارانه و چند پهلو حرف بزند و...

پیاز داغ هم هست!

حالا این همه از رسانه‌ای شدن حرف زدیم آیا منظورمان این است که احمدی نژاد شلخته است و جوان‌پسند نیست؟!

قرار شد انتخاباتی حرف نزنیم اما واقعاً چرا احمدی نژاد ساختار شکنی می‌کند؟ آیا او ضد علم است؟ پس چرا دکترا دارد؟ بیابید ببینیم او چه می‌کند که صدای همه را درآورده است.

اجازه بدهید یک بار دیگر آتش را هم بزنم:

«رسانه‌ها = ارگان احزاب» می‌گویند رابطه دولت نهم با مراجع و روحانیت خوب نیست. ما هم باور می‌کنیم! و باز «رسانه‌ها = ارگان احزاب» خبر می‌دهند که رقیب پیشین وی در انتخابات، پادرمیانی کرده تا مراجع رئیس دولت نهم را به حضور بپذیرند!

مزه واقعی آتش را حس می‌کنید؟

دکتر احمدی نژاد همواره در سفرهای استانی خود جلسات ویژه‌ای با روحانیان دارد و آنها را به صورت حضوری در جریان آخرین تحولات کشور می‌گذارد. جالب این که طلاب جوان حوزه بیش‌ترین حمایت را در جریان انتخابات از احمدی نژاد داشتند و شهر قم بالاترین نسبت رأی به احمدی نژاد را داشت.

نخود هر آتش که می‌گن چیه؟

نوبت شما هم می‌رسد که نظر بدهید و نوبت من هم می‌رسد که آتش بخورم اما رسانه‌ها اعلام می‌کنند که احزاب در دولت نهم جایگاهی نداشتند. باید بگویم اول نوبت

آنها که سال‌ها درس رسانه خوانده‌اند و تدریس کرده‌اند می‌دانند که رفتار احمدی نژادی با هیچ کدام از تعریف‌ها و هنجارهای رسانه‌ای سازگار نیست.

طرفداران وی این رفتارها را به حساب مردمی بودن می‌گذارند و چون او را دوست دارند از بررسی علمی پدیده احمدی نژاد خودداری می‌کنند. حساب مخالفان هم تاریک است. آنها تمام نیروهای رسانه‌ای خود را به کار گرفته‌اند تا احمدی نژاد را مسخره کنند. آنها احمدی نژاد را سمبل خیلی چیزها می‌دانند و امیدوارند با کوچک کردن او به چیزهای بزرگی برسند.

قد احمدی نژاد، رنگ او، لباس او و قیافه او دستمایه مسخره‌گران است (که سخت کیفر می‌شوند!) اینها ندا و نمای رسانه را تشکیل می‌دهد تا برسد به سخنان و مواضع اصولی او.

اما چرا با این همه فشار رسانه‌ای باز هم احمدی نژاد در صدر افکار عمومی جا دارد؟ دشمنان می‌گویند چون ستیزه‌جو است و تنش‌زا و در پی مطرح کردن خویش است. اما مگر کسی می‌تواند از رسانه و روش‌های آن به درستی استفاده نکند و باز هم موفق بشود؟

من طرفداران و منتقدان را به سفره عصرانه آتش داغ دعوت می‌کنم تا به دور از بحث‌های یخ و بی‌نمک انتخاباتی، کمی به پدیده‌شناسی احمدی نژاد بپردازیم بدون این که بخواهیم نتیجه بگیریم که به چه کسی رأی بدهیم.

همین طور که آتش داغ را میل می‌کنید یا صبر می‌کنید تا سرد بشود به این نکته توجه کنید که می‌شود تعریف رسانه را عوض کرد. این‌جا نمی‌خواهم در این باره حرف بزنم اما خواستم بگویم پایتان را جای محکمی بگذارید!

بفرمایید نمک!

اگر قبول دارید که ما در ارتباطات و رسانه و تبلیغات می‌خواهیم یک گزاره را القا کنیم و جا بیاندازیم نباید تنها به چند سال پیشرفت وسایل ارتباط جمعی و دیجیتالی بسنده

